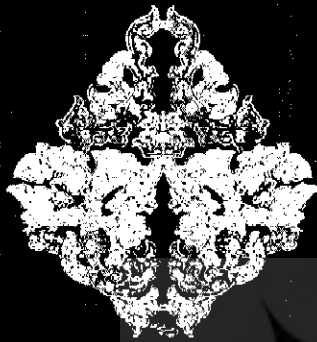


دیوان اخلاص خلیلی

به کوشش محمد کاظم کاظمی



دیوان خلیل الله خلیلی

به کوشش محمد کاظم کاظمی

ناشر: محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی

طرح جلد: وحید عباسی

خوشنویسی روی جلد: استاد غلام حسین امیر خانی

چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵

۲۵۰۰ نسخه، وزیری

بصیر احمد حسین زاده

این همنوایی دخیل دانسته است.

کاظمی هم چنین این نظر را که بعضی‌ها خلیلی را شاعری محافظه کار و مرتبط با حکومت دانسته‌اند تا حدودی صحیح دانسته و معتقد است که «... کشته شدن پدر و حبس و آوارگی خود او، در این انتخاب این سلوک بی اثر نبوده است. او از امان الله خان خاطره چندان نیکویی نداشت. پس بی سبب نیست اگر پس از آن نیز به او و اطرافیانش که غالباً معارضین حکومت در این دوره هستند، عنایتی ندارد و به سایه مخالفان به قدرت رسیده آن نظام پناه می‌برد. به این عامل، باید طبیعت محافظه کار شاعر را نیز افزود. در مجموع خلیلی طبیعی دل به دست آور دارد نه دل شکن و این طبیعت در اوایل عمر او بیشتر دیده می‌شود. چنین کسانی با اهل قدرت راحت تر کنار می‌آیند...»

در بخش دیگری از مقدمه، گردآورنده درباره شعر و مقام ادبی، آثار و تألیفات و مجموعه شعرهایی که تاکنون از خلیلی منتشر شده است و نیز درباره دیوان حاضر توضیحاتی داده است.

در بخش اصلی کتاب، شعرهای شاعر آمده است. قصاید، غزل‌ها، قطعه‌ها، رباعی‌ها و دوبیتی‌ها، چهارپاره‌ها، ترکیبات، مسمطها و مستزادها و مثنوی‌ها مجموعه شعرهای این دیوان را شکل می‌دهند.

هرچند این کتاب کامل‌ترین دیوان موجود از اشعار خلیل الله خلیلی است، نمی‌توان با قطعیت گفت که همه آثار او در آن آمده است. چنان که گردآورنده در مقدمه دیوان به چند قطعه شعر غایب در این کتاب اشاره کرده که دور از دسترس او بوده است. و با وجود پیراسته بودن نسبی این اثر، در مواردی به بعضی غلط‌های تأییدی، ناهماهنگی‌هایی در رسم الخط و بعضی لغزش‌های کوچک دیگر بر می‌خوریم. از جمله این که در صفحه ۲۶۴ کتاب، یک شعر دوبار آمده است. نکته دیگری که قابل تذکر است، این است که هرچند در طرح روی جلد، مضامی وحید عباسی (به عنوان طراح) دیده می‌شود. در شناسنامه به اشتباه نام موسی اکبری درج شده است. البته عنوان کتاب بر روی جلد، به خط استاد غلام حسین امیرخانی است و این ارزش و اعتبار هنری خاصی به کتاب می‌بخشد. در کنار طرح جلد زیبایی آن.

خلیل الله خلیلی (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ ش) شاعر، نویسنده، پژوهش‌گر و دولتمرد سرشناس افغانستان بود، با بیش از هفتاد و پنج اثر در زمینه‌های شعر، پژوهش‌های ادبی و تاریخی.

مجموعه شعرهای خلیلی بیشتر از دیگر آثار او خواننده داشته و تاکنون چندین بار به صورت‌های گوناگون در جاهای مختلف به نشر رسیده است. ولی غالب این دیوان‌ها، شعرهای یک مقطع خاص از زندگی ادبی این شاعر را در خود داشته است. مگر دیوانی به کوشش عبدالحی خراسانی که از سوی نشر بلخ منتشر شده و به نسبت دیگر دیوان‌ها، کامل بوده است. مشکل دیگر دیوان‌های موجود از خلیل الله خلیلی (از جمله دیوان عبدالحی خراسانی)، ترتیب و تنظیم ناقص و غلط‌های بسیار تأییدی در آن‌ها بوده است. با این وصف، دیوان حاضر را می‌توان کامل‌ترین و کم‌نقص‌ترین دیوان خلیلی دانست که تاکنون انتشار یافته است.

چنان که در مقدمه کتاب ذکر شده است، این دیوان تقریباً همه آثاری را که از این شاعر در دسترس بوده است، در خود دارد و در عین حال، ترتیب و تفکیک قالب‌های مختلف شعری، در آن با دقت بیشتری نسبت به آثار پیشین رعایت شده است.

شرح و توضیح اعلام تاریخی و جغرافیایی، فهرست مفصل واژگان و اعلام، از کارهای گردآورنده در چاپ حاضر است که در دیوان‌های پیشین وجود نداشت. به این‌ها باید افزود فهرست تقریظ‌هایی را که توسط اهل ادب افغانستان و ایران بر شعرهای خلیل الله خلیلی نوشته شده بود، از جمله مقدمه‌ای به قلم خلیلی. شرح حال او به قلم سرور گویا اعتمادی، مقدمه‌های میر غلامرضا مایل هروی، سعید نفیسی، صلاح‌الدین سلجوقی و تقریظ‌های عبدالرحمان یزواک، دکتر رضازاده شفق، دکتر لطفعلی صورتگر، بدیع الزمان فروزانفر و سیدشمسی‌الدین مجروح.

گردآورنده در عین حال کوشیده است با مقابله متن با دیگر مجموعه‌شعرهای خلیلی، موارد ابهام و اختلاف نسخ را در پاورقی یادآور شود.

کاظمی در مقدمه مفصل این دیوان، به تشریح زندگی و شخصیت خلیلی در دوره‌های گوناگون پرداخته است. وی در این مقدمه درباره هم‌نوایی خلیلی با حکومت حبیب‌الله کلکانی معلومات داده و به‌دراویخته شدن مستوفی‌الممالک پدر خلیلی به دست امان الله خان و وابستگی منطقهای خلیلی با حبیب‌الله کلکانی را در



مقتل گل سرخ

منظومه‌ی درینوا
تألیف: درینوا

مقتل گل سرخ

منظومه‌ی درینوا، سروده‌ی عبدالرحمن رضایی بیبا
تألیف: سرکک چاپ و نشر بین الملل
جواب دوم بهستان ۸۶
۱۲۰ صفحه
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

چه دور می‌رود
آن که هر روز
روحش را
به دیروز تاریخ یزنا می‌کند
تا در «بته‌ی از جنس نشو»
خبره نمود
به مرده چشمانش
و پیرسد: «ئی!»
تو در کدام سوی دهر که ایستاده‌ای؟

بیبا
به لجه‌ی زلال
نامش را اواز بخوانم!
باور کند
برمی‌خیزد خورشید،
خاک و خون
می‌بخاند
از تن خسته خویش
می‌آید
به خیابان امروزها
آینه می‌گیرد
از بی‌نیایب روشن
در چشم ما

آن گاد
پرسش نمی‌خواهد
معرکه
- خود -
در ما می‌آیستد

پروانه بی‌خویشی من

پروانه بی‌خویشی من

مجموعه اشعار م. مؤید
تألیف: فرهنگ انسا (رشت)

به سفارش واحد آفرینش‌های ادبی حوزه هنری گیلان
دب اول، ۱۳۸۶
۱۱۰ صفحه
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

اه، ای داود!

بر بی‌مجدد انتظامی

اه، ای داود! ای داود!
زین بر زمین بگذر و
بادشاهی واگذار و
هستن زهره شو، مانند کار
در امتداد استخوان‌های آفرین
بی‌اندوهی مقدس
خرامان
بر ازشه مینو

چه آتش‌هایی!
کلمات/می‌نافتند
و دی / مشعل می‌گشت
در کارهای چندند
تیریز پویش بر آمدن

جد آتش‌هایی!

ما تیر / کاریز می‌شدیم
و درونه می‌سپردیم
به نای‌های همسرای‌های‌های
که کاریز می‌شدند
و تن و جان می‌سپردند
به ابر تعاش همراز نطقه
تیریز پویش بر آمدن

کل‌های سپید / کل‌های سپید
مزه بر هم / مزه بر هم
فرازان / فرازان
زی آسمان

خیابان حصار

خیابان حصار

مجموعه غزل‌های سید نوالفضل حسدی
تألیف: سخن گستر (مشهد)
جواب دوم بهستان ۸۶
۸۰ صفحه
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

۱
آمدن فصل دل‌انگیز، وئی زود گذشت
روزگاری که سر عاشقی ام بود گذشت
با من از شوکت و زبانی درما گفتمی
نشندی که در این راه چه بر رود گذشت
برق چشمان تو بر زندگی ام تنش زد
کاش می‌شد که از این نش نم‌رود گذشت
دل تنگم همه عمر به فردا خوش بود
دل من دیگر از آن لحظه موعود گذشت
صبح از دخترکان لب جو می‌شنوی
ماهی کوچکی از آب گل‌لود گذشت

۲
به دشت و کوه و کمر می‌کنند به زنجیرم
کمر به کشتن من بسه است تقدیرم
نفس هنوز به عشق تو می‌کشم که هنوز
هزار مرتبه می‌میرم و نمی‌میرم
خران تو نسبی، ای پادشاه رنگارنگ!
خران منم که از آغاز عمر دل کیرم
مرا در آنه می‌جویی و نمی‌یابی
دلم شکسته و در هم شکسته تصویرم
عقاب کوه دماوند بوده و امروز
کلاغ‌های زمین می‌کنند تحقیرم
عقاب در فقس، سرشکسته ای سرکش
که از نگاه به پرواز دیگران سیرم
بگیر! اش از این ناتوان کمالت را
بس است هرچه که بر سگ می‌خورد تیره

